

عشق و نفرت

باید گریستن، ای طفل هموطن،
این چاپ‌دره‌ها بر اندام نازکت،
نقش جهالت است که بیداد میکند

باید گریستن، ای دختر وطن
بر گوشه‌ها صدایی ازین تازیانه‌ها
صد «رابعه» و «طاهره» و «انجمن‌ها» *
از آن مفاک تلخ
و زگور قرن‌ها، فریاد میکنند
تا زنده‌ای به گوش تو آواز میکنند.
ای شاهدخت ما، باید گریستن
در بند مرد جاهل نادان گریستن

بازار این وطن محبت نمی‌دهد
این امتعه به قیمت نفرت نمی‌خرد
اینجا ضمیرها ز نفرت رسته‌اند
در جویباردل
وافر، کینه بغض و قساوت شناورند
محکم ستاده باش
ای استوار قامت رعناى زندگی

ایمان تو رفیع‌تر از این لاشخوار هاست
کین قامت لطیف تو بهتر ز کهنه هاست
زیرا خدای تو
از عشق آفرید جهان وزمانه را
این‌دره بازیها ز نفرت مثال هاست

* - رابعه منظور از رابعه بلخی دختر کعب است: که بدست برادرش حارث در حمام رگه‌ایش بریده شد و بتدریج عذاب کش گردید. هنگام مرگ حدود 30 سال داشت. اولین قربانی علنی زن در راه خواسته‌های برحق زنان که خود تاریخ گردید.

- طاهره :

طاهره بزرگ مشهور به چشم سیاه «قرت العین» زنی که در راه آزادی زنان کشته شد و مرده‌اش را در چاهی انداختند و چاه را پر از سنگ ساختند. با وجودیکه آثار او را نابود کردند ولی چند پارچه شعریکه از او باقی مانده است در فصاحت و بلاغت کمتر از اشعار حافظ و عطار و مولانا نیست این خانم بزرگ در ادبیات یکی از نادره‌های زبان دری محسوب میشود. هنگام مرگ فقط 36 سال داشت. نمونه شعر او:

خال بکنج لب یکی، طره مشک فام دو
وای به حال مرغ دل، دانه یکی و دام دو

محتسب است و شیخ و من، صُحبت عشق در میان
از چه کنم مجابشان، پخته یکی و خام دو....

- نادیا انجمن دخت با کرامت و شاعر چیره دست کشور که در بسیار جوانی برای آزادی زنان آگاهانه از نقد جانش دریغ نکرد و قربانی خشونت مرد سالاری گردید. در هنگام مرگ این شاهدخت فقط 25 سال داشت.

نیست شوقی که زبان باز کنم، از چه بخوانم؟

من که منفور زمانم، چه بخوانم چه نخوانم

چه بگویم سخن از شهید، که زهر است به کامم....

روح شان شاد باد